

مطالعه تطبیقی روش‌های سنتی و تعاملی در آموزش زبان انگلیسی به زبان آموزان خردسال

ترجمه کامل فارسی مقاله علمی

Lenan Zeynalova-، Ulviyya Mammadova Mirad. Aynur Azizova Misbat. Matanat Mammadova Mammad
Aysel Aliyeva Chingiz و Shaf a Hunbatova Rabil. Mammadzade Vahid

International Journal of Special Education، ۲۰۲۶، جلد ۴۱، شماره ۱۶S، صفحات ۸۵۵-۸۷۱

DOI در فایل ارائه شده درج نشده است.



چکیده

تعداد افرادی که از زبان انگلیسی استفاده می‌کنند و این زبان در عصر حاضر جایگاه یک زبان جهانی را به دست آورده است، روزبه‌روز افزایش می‌یابد. یکی از دلایل اصلی تغییر چشمگیر نیازها و خواسته‌های زبان‌آموزان، نقش فزاینده زبان انگلیسی در عرصه جهانی است. هدف اصلی بیشتر افرادی که انگلیسی می‌آموزند، توانایی استفاده از آن به عنوان وسیله‌ای برای ارتباط است. نقش انگلیسی به عنوان ابزاری برای یکپارچگی جهانی باعث شده آموزش آن ماهیتی ارتباطی پیدا کند و مزایای توانایی استفاده از انگلیسی در مدت‌زمان نسبتاً کوتاه به شکل گسترده شناخته شود.

در جریان گذار نظام آموزشی جمهوری آذربایجان به نظام آموزشی اروپایی، تغییرات قابل‌توجهی در آموزش زبان‌های خارجی، به‌ویژه زبان انگلیسی، ایجاد شده است. این تغییرات حوزه‌هایی مانند محتوای آموزشی، روش‌های آموزش زبان، روابط دانش‌آموز و معلم و نقش معلم را دربرمی‌گیرد. امروزه معلمان زبان انگلیسی باید از تحولات جهانی در آموزش زبان‌های خارجی آگاه باشند و آمادگی استفاده از روش‌های جدید را داشته باشند. بر اساس استانداردهای آموزشی مدرن اروپا، معلمان باید خلاق، فعال، پذیرای ریسک و قادر به سازمان‌دهی فرایند یادگیری متناسب با نیازهای زبان‌آموزان باشند. همچنین باید بتوانند فعالیت‌های خود و زبان‌آموزان را به شکل مؤثر برنامه‌ریزی کنند، محیط یادگیری کارآمدی در کلاس ایجاد کنند، روابط مناسب معلم و دانش‌آموز را شکل دهند، از شایستگی فکری بالایی برخوردار باشند و زبان‌آموزان را به یادگیری زبان خارجی ترغیب کنند.

با وجود آنکه برنامه‌های درسی جدید با هدف آموزش زبان خارجی به عنوان وسیله ارتباط طراحی شده‌اند، در عمل هنوز روش‌های سنتی در کلاس‌ها کاربرد بیشتری دارند و تأکید بیشتری بر آموزش دانش زبانی نسبت به توسعه مهارت‌های ارتباطی دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آموزش زبان انگلیسی، روش‌های سنتی، روش‌های تعاملی، آموزش زبان ارتباطی، مدل PPP، تحول دیجیتال، آموزش یادگیرنده محور

مقدمه

رویکرد سنتی در آموزش زبان تأکید ویژه‌ای بر شایستگی دستوری به عنوان پایه مهارت‌های زبانی داشت. روش آموزش دستور زبان عمده‌تاً ماهیتی قیاسی داشت. قواعد دستوری به شکل مستقیم به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شد و سپس فرصت‌هایی برای به‌کارگیری این قواعد در عمل در اختیار آنان قرار می‌گرفت. در مقابل، رویکرد استقرایی نمونه‌هایی را در اختیار زبان‌آموز قرار می‌داد تا خود او قواعد دستوری را از میان نمونه‌ها شناسایی و صورت‌بندی کند.

از جمله روش‌هایی که برای توسعه مهارت‌های زبان خارجی استفاده می‌شد می‌توان به حفظ کردن گفت‌وگوها، تمرین‌های پرسش و پاسخ و فعالیت‌های نوشتاری و شفاهی مختلف اشاره کرد. تلفظ صحیح و کسب دانش دستوری درست باید از مراحل ابتدایی آموزش زبان شکل بگیرد، زیرا خطاهای زبان‌آموزان ممکن است به مرور در گفتار آنان تثبیت شود. طرفداران این رویکرد شامل پیروان روش شنیداری-گفتاری و طرفداران رویکرد ساختاری-موقعیتی در بریتانیا هستند.

برنامه درسی معمولاً شامل فهرست‌های واژگان و مجموعه قواعد دستوری بود که بر اساس سطح مهارت زبانی زبان‌آموزان تنظیم می‌شد.

مراحل معمول یک درس به روش شنیداری-گفتاری

۱. گوش دادن و تکرار: دانش‌آموزان ابتدا به گفت‌وگویی که معلم یا ابزارهای فنی مانند ضبط صوت، CD یا نوار ارائه می‌کنند گوش می‌دهند و سپس آن را تکرار می‌کنند.

• تقلید و حفظ کردن: جمله‌ها، عبارت‌ها و گفت‌وگوهای کامل حفظ می‌شوند.

• اصلاح فوری خطا: خطاهای تلفظی و دستوری بلافاصله توسط معلم اصلاح می‌شوند.

• تکرار گروهی: گفت‌وگوها به صورت جمعی و تقریباً شبیه اجرای نمایشی تکرار می‌شوند.

• تمرکز بر ساختار زبان: تأکید بر شکل زبان و خودکارسازی ساختارهای صحیح است.

این روش بر روان‌شناسی رفتارگرایی استوار است؛ یعنی یادگیری از طریق تکرار صحیح و تقویت اتفاق می‌افتد.

۲. سازگار کردن گفت‌وگو: دانش‌آموزان با جایگزین کردن واژه‌ها و جمله‌ها، گفت‌وگوها را متناسب با علایق خود تغییر می‌دهند.

۳. استفاده از نمونه‌های منتخب: بخش‌های مرتبط گفت‌وگو انتخاب و به عنوان الگو استفاده می‌شوند. این نمونه‌ها ابتدا به صورت گروهی و سپس فردی تمرین می‌شوند. در این مرحله ممکن است برخی قواعد دستوری توضیح داده شوند، اما زمان محدودی باید به این کار اختصاص یابد.

۴. فعالیت‌های خواندن و نوشتن: دانش‌آموزان بر اساس گفت‌وگوی ارائه‌شده، با استفاده از کتاب درسی فعالیت‌های خواندن و نوشتن انجام می‌دهند و هم‌زمان دامنه واژگان خود را گسترش می‌دهند.

۵. تمرین زبانی تکمیلی: پس از کار با گفت‌وگوها، فعالیت‌های تمرین زبان می‌توانند در آزمایشگاه زبان انجام شوند و تمرین‌های تکمیلی نیز مورد استفاده قرار گیرند.

مدل PPP و مبانی ساختاری روش ارتباطی در آموزش زبان

یک درس مبتنی بر رویکرد موقعیتی از طریق توالی سه مرحله‌ای موسوم به چرخه PPP، یعنی ارائه، تمرین و تولید، اجرا می‌شود.

در مرحله ارائه، قواعد دستوری معمولاً با کمک متن‌های کوتاه معرفی می‌شوند. معلم ساختار دستوری جدید را توضیح می‌دهد و میزان درک دانش‌آموزان را ارزیابی می‌کند.

در مرحله تمرین، دانش‌آموزان در یک بافت کنترل‌شده و با استفاده از تمرین‌های جایگزینی و فعالیت‌های مبتنی بر الگو، ساختار هدف را به کار می‌گیرند.

در مرحله تولید، دانش‌آموزان از ساختار تازه‌آموخته‌شده در بافت‌های مختلف استفاده می‌کنند. در این مرحله معمولاً به دانش خود یا مطالبی که خودشان تولید کرده‌اند تکیه دارند.

سه مرحله PPP

پیش تولید یا ارائه: معلم مطالب زبانی جدید را ارائه می‌کند تا دانش‌آموزان با ساختارهای زبانی و عناصر واژگانی جدید آشنا شوند. موضوع، قواعد یا ساختارها با تکنیک‌های مختلف توضیح داده می‌شوند و در یک بافت معنادار قرار می‌گیرند.

تولید یا تمرین: دانش‌آموزان شروع به استفاده از مطالب جدید در یک بافت مشخص می‌کنند، ایده‌های خود را بیان می‌کنند، نظر می‌دهند و ساختارهای مشخص زبانی را در گفتار و نوشتار به کار می‌گیرند.

پس تولید یا تمرین آزاد: دانش‌آموزان مطالب مراحل قبل را در موقعیت‌های واقعی و بافت‌های بازتر به کار می‌برند. بحث، ایفای نقش، گفت وگوهای طبیعی و سایر شکل‌های ارتباط اصیل در این مرحله استفاده می‌شود.

جدول ۱. مراحل مدل PPP

ارائه | معرفی قواعد دستوری یا واژگان جدید در یک بافت مانند متن یا ویدئو | هدف: کسب اولیه مطالب

تمرین | انجام تمرین‌های الگویی و جایگزینی با هدایت معلم | هدف: خودکارسازی ساختار

تولید | استفاده آزاد از مطالب آموخته شده، گاهی با مطالب تولیدشده توسط خود دانش‌آموز | هدف: استفاده از زبان در موقعیت‌های واقعی

آموزش زبان ارتباطی (CLT)

آموزش زبان ارتباطی در دهه ۱۹۶۰ در بریتانیا و در نتیجه تغییر در شیوه‌های آموزش زبان شکل گرفت. برخلاف روش‌های قبلی که بیشتر بر قواعد دستوری و ساختارهای مشخص متکی بودند، این رویکرد بر استفاده طبیعی و کاربردی از زبان تمرکز دارد. هدف اصلی CLT فقط آموزش قواعد دستوری نیست، بلکه آماده کردن زبان‌آموز برای استفاده مؤثر و مناسب از زبان در موقعیت‌های واقعی است.

در دهه ۱۹۶۰، زمانی که انگلیسی به عنوان زبان خارجی در بریتانیا آموزش داده می‌شد، رویکرد موقعیتی بر آموزش ساختارهای زبان در بافت‌های مشخص مانند زندگی روزمره تأکید داشت. بعدها زبان‌شناسان بریتانیایی روش‌هایی را توسعه دادند که بر ابعاد بیشتری از زبان تأکید می‌کردند و نشان می‌دادند یادگیری زبان فقط به تسلط بر ساختارها محدود نیست و باید تمرین ارتباطی نیز در مرکز قرار گیرد.

برای اجرای موفق رویکرد ارتباطی، معلم باید زبان‌آموز را بشناسد. اگر معلم و دانش‌آموز پیشینه زبانی مشترکی داشته باشند، معلم راحت‌تر می‌تواند خطاهای ناشی از تأثیر زبان مادری را شناسایی کند. مدل ارتباطی زبان نیز اجزای دستوری و معنایی زبان و کارکردهای ارتباطی مورد انتظار را دربرمی‌گیرد.

اصول آموزش زبان ارتباطی

۱. یادگیری زبان دوم زمانی رخ می‌دهد که دانش‌آموزان در تعامل و ارتباط معنادار شرکت کنند. یادگیری زبان فقط تسلط بر قواعد دستوری نیست و باید بخشی از تعامل اجتماعی و موقعیت‌های واقعی باشد.

۲. فعالیتهای و تکالیف مؤثر به زبان آموزان کمک می کنند درباره معنا مذاکره کنند، دانش زبانی خود را توسعه دهند و در تبادل های معنادار مشارکت کنند.

۳. ارتباط معنادار در محیطی مناسب، هدفمند، جذاب و انگیزه بخش شکل می گیرد.

۴. ارتباط فرایندی است که به استفاده از واژگان، تلفظ، نحو، معناسناسی و دیگر عناصر زبانی نیاز دارد.

۵. یادگیری زبان از طریق استفاده خلاقانه از زبان، درک قواعد زیربنایی و تأمل شکل می گیرد.

۶. یادگیری زبان فرایندی مستمر است که استفاده خلاقانه، آزمایش کردن و خطا را دربرمی گیرد.

۷. زبان آموزان مسیرها، سرعتها و انگیزه های متفاوتی دارند و رویکرد ارتباطی باید با این تفاوتها سازگار شود.

۸. یادگیری موفق زبان به استفاده از راهبردهای مؤثر یادگیری و ارتباط وابسته است.

۹. معلم نقش تسهیلگر دارد و با ایجاد محیط حمایتی، مشارکت در استفاده از زبان را تشویق و فرایند یادگیری را هدایت می کند.

۱۰. کلاس فضایی است که دانش آموزان در آن از طریق مشارکت و اشتراک گذاری یاد می گیرند.

روش های تدریس مدرن و اصل یادگیرنده محوری

روش های تدریس مدرن، در عین توجه به سنت های قبلی آموزش زبان، همچنان از آنها استفاده می کنند. بنابراین درس های امروزی معمولاً شامل ادغام دستور زبان با مهارت های ارتباطی، انجام تکالیف مشخص همراه با تأمل زبانی، حل مسئله و ایفای نقش، تمرکز بر زندگی و علایق دانش آموزان، کاربرد آموخته ها در زندگی روزمره و استفاده از منابع اصیل هستند.

جدول ۲. اصول آموزش یادگیرنده محور

تمرکز بر فرایند | تأکید بیشتر بر فرایند یادگیری نسبت به نتیجه، مانند آزمون

یادگیری اجتماعی | اولویت دادن به فعالیتهای مشارکتی و همکاری نسبت به کار فردی

تنوع | تفاوت در سرعت و سبک یادگیری دانش آموزان به عنوان یک منبع ارزشمند دیده می شود

از کل به جزء | ابتدا موضوع به صورت کلی درک می شود و سپس جزئیات و قواعد بررسی می شوند

ارتباط با دنیای واقعی | آموخته های مدرسه با زندگی روزمره و بافت جهانی پیوند داده می شوند

- دانش آموزان بیشتر بر نقش خود و فرایند یادگیری تمرکز می کنند تا محرک های بیرونی و صرفاً نتیجه.

- جنبه های اجتماعی یادگیری، از جمله تبادل ایده، اشتراک اطلاعات و حل مسئله جمعی، اهمیت بیشتری پیدا می کند.

- تنوع در سرعت، سبک و انگیزه یادگیری به عنوان یک منبع ارزشمند دیده می شود.

- پژوهش و نظریه بر یادگیری در کلاس و ارزیابی آن تمرکز دارند و معلم بازخورد مناسب ارائه می کند.

- محتوا با دنیای واقعی پیوند داده می شود تا یادگیری معنادارتر و کاربردی تر شود.

- دانش‌آموزان برای درک هدف یادگیری و تعیین اهداف خود حمایت می‌شوند.
- رویکرد از کل به جزء به کار می‌رود؛ ابتدا متن یا موضوع کامل بررسی و سپس اجزای آن تحلیل می‌شوند.
- تأکید بیشتری بر معنا نسبت به انجام صرف تمرین‌ها وجود دارد.
- فرایند یادگیری فقط آمادگی برای آزمون نیست، بلکه فرایندی بلندمدت و مستمر است.
- زبان‌آموزان درباره محتوا و فرایند یادگیری حق انتخاب دارند و خودارزیابی نمونه‌ای از این رویکرد است.
- یادگیری زبان ماهیتی اجتماعی دارد و بر تعامل و ارتباط با دیگران استوار است.

تحول دیجیتال و فناوری‌های چندرسانه‌ای در آموزش زبان انگلیسی

معلم در این رویکرد نقش تسهیلگر دارد و از روش‌های مختلف یادگیری مانند یادگیری تجربی استفاده می‌کند. این تحولات به ظهور روش‌های جدید آموزش زبان انجامیده‌اند. از آنجا که یک برنامه درسی واحد و مورد توافق جهانی وجود ندارد، برنامه‌های زبان امروزی باید مهارت‌های زبانی، محتوا، دستور زبان، واژگان و کارکردهای زبانی را دربرگیرند.

در عصر حاضر، پویایی جامعه و توسعه جهانی ارتباط نزدیکی با تحول دیجیتال دارند. موفقیت در محیط دیجیتال مستلزم دنبال کردن نوآوری‌های فناوری و یادگیری استفاده مؤثر از ابزارهای جدید است.

امروزه زبان انگلیسی جایگاهی مهم به عنوان زبان جهانی ارتباطات دارد. فناوری‌های دیجیتال در سال‌های اخیر نقش ویژه‌ای در آموزش زبان داشته‌اند. پیشرفت فناوری رایانه و سواد دیجیتال به توسعه روش‌های آموزشی جدید کمک کرده است. در گذشته زبان‌آموزان برای یادگیری انگلیسی ناچار بودند در دوره‌های طولانی شرکت کنند، اما پیشرفت فناوری سبک زندگی و روش‌های یادگیری را تغییر داده است.

فناوری‌های مورد استفاده در آموزش زبان باید متناسب با ویژگی‌های سنی، نیازهای یادگیری و علایق زبان‌آموزان طراحی شوند. ابزارهایی مانند پوستر، اسلاید، تصویر، عروسک، تئاتر، تلویزیون، فیلم، CD، رایانه و سایر رسانه‌ها از گذشته تا امروز وارد برنامه‌های یادگیری زبان شده‌اند.

پیشرفت علم و فناوری استفاده از ابزارهای فناورانه را در محیط‌های آموزشی افزایش داده است. رایانه‌ها امروز نقش مهمی در یادگیری زبان خارجی دارند و آموزش مبتنی بر فناوری، موقعیت‌های واقعی و یادگیری شخصی‌سازی شده را به یکدیگر نزدیک می‌کند.

در دهه ۱۹۴۰ روش شنیداری-گفتاری به ظهور آزمایشگاه‌های زبان کمک کرد. در دهه ۱۹۶۰ پروژکتور اسلاید و تجهیزات فیلم وارد این آزمایشگاه‌ها شدند. در اواخر دهه ۱۹۷۰ با ظهور رویکرد شناختی-ارتباطی استفاده از آن‌ها کاهش یافت. در دهه ۱۹۸۰ فناوری ویدئو توسعه پیدا کرد و مواد ویدئویی به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفتند. در یادگیری سیار نیز تبلت، تلفن هوشمند و کتاب‌خوان‌های الکترونیکی برای دسترسی به مطالب آموزشی دیجیتال به کار گرفته شدند.

یادگیری سیار معمولاً با آموزش الکترونیکی مرتبط است. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات نیز در گسترش جهانی زبان انگلیسی نقش مهمی دارند و پژوهش‌ها نشان می‌دهند تعامل اجتماعی یکی از مؤلفه‌های مهم فراگیری زبان است.

در دهه ۱۹۹۰ گسترش رایانه‌های شخصی و اینترنت امکان یادگیری مستقل زبان انگلیسی را افزایش داد. آموزش رایانه‌محور به یکی از موضوعات مهم آموزش تبدیل شد و یادگیری دیگر به محیط مدرسه محدود نماند. دانش‌آموزانی که از مواد آموزشی رایانه‌ای استفاده می‌کنند می‌توانند یادگیری خود را خارج از مدرسه نیز ادامه دهند.

فناوری دیجیتال، مزایا و چالش‌ها

فناوری‌های دیجیتال امکان یادگیری متناسب با سن و نیاز زبان‌آموز را فراهم می‌کنند. با این حال، استفاده از فناوری با چالش‌هایی مانند حق نشر، حریم خصوصی، محدودیت سنی برخی منابع، نرم‌افزارهای مخرب و حفاظت از داده‌های شخصی همراه است. ایجاد پروفایل‌های تحت نظارت می‌تواند روشی برای محافظت از دانش‌آموزان در برابر خطرات دیجیتال باشد.

فناوری‌های همراه اکنون فقط در کلاس و آزمایشگاه رایانه استفاده نمی‌شوند و در خانه و محیط‌های روزمره نیز کاربرد دارند. زبان‌آموزان می‌توانند از طریق فناوری‌های دیجیتال چهار مهارت اصلی زبان، یعنی صحبت کردن، شنیدن، نوشتن و خواندن را توسعه دهند.

جدول ۳. مزایا و چالش‌های تحول دیجیتال

مزیت: یادگیری در هر زمان و مکان، به‌ویژه یادگیری سیار | چالش: مسائل مربوط به حق نشر و حریم خصوصی

مزیت: سازگاری با سرعت یادگیری فردی | چالش: نرم‌افزارهای مخرب و خطرات امنیت سایبری

مزیت: افزایش انگیزه و تقویت ادراک دیداری | چالش: نیاز به حفاظت از داده‌های شخصی

مزیت: توسعه هم‌زمان چهار مهارت اصلی از طریق چندرسانه‌ای | چالش: آگاهی ناکافی دانش‌آموزان از قواعد رفتار دیجیتال

فناوری‌های دیجیتال می‌توانند از طریق مدل‌های مجازی، ویدئو، انیمیشن، صوت و گرافیک توجه دانش‌آموزان را بیشتر بر موضوع درس متمرکز کنند. آزمون‌های الکترونیکی نیز ابزارهایی خودکار برای مدیریت و ارزیابی دانش در اختیار معلمان قرار می‌دهند.

معلمان علاوه بر استفاده از فناوری باید نحوه رفتار مناسب در محیط‌های دیجیتال را نیز آموزش دهند. اینترنت، YouTube، Skype، Twitter، وبلاگ‌ها، تلفن همراه و تخته‌های تعاملی از ابزارهایی هستند که در آموزش زبان انگلیسی به کار می‌روند. پخش آهنگ‌های انگلیسی، نمایش فیلم و ارائه برنامه‌های مختلف نیز می‌تواند درس را جذاب‌تر کند.

سواد دیجیتال

سواد دیجیتال مفهومی گسترده‌تر از سواد رایانه‌ای است و مهارت‌های لازم برای عملکرد مؤثر در جهان دیجیتال را دربرمی‌گیرد. سواد رایانه‌ای بی‌شتر به یادگیری نحوه استفاده از فناوری‌ها مربوط است، در حالی که سواد دیجیتال مستلزم مشارکت فعال و رفتار مثبت و مسئولانه در محیط دیجیتال است.

• همکاری: توانایی افراد و تیم‌ها برای برقراری ارتباط مؤثر با یکدیگر.

• خلاقیت: ارزیابی فرصت‌ها و طرح پرسش‌های مناسب برای تولید ایده‌های جدید.

• تفکر انتقادی: ارزیابی اطلاعات، شناسایی الگوها و به‌کارگیری این دانش در موقعیت‌های واقعی.

• شهروندی: توانایی حل مسائل پیچیده با درک ارزش‌ها و دیدگاه‌های متنوع.

• شخصیت: تبدیل یادگیری به بخشی از زندگی از طریق تاب‌آوری و پشتکار.

• ارتباط: توانایی تعامل مؤثر با افراد مختلف از طریق شیوه‌های گوناگون.

فناوری‌های دیجیتال می‌توانند فرایند یادگیری زبان را سرعت دهند. نرم‌افزارهای آموزش زبان، برنامه‌های کاربردی، درس‌های ویدئویی و دوره‌های آنلاین با پیگیری فردی پیشرفت زبان‌آموز می‌توانند مکمل روش‌های سنتی باشند. ابزارهایی مانند درس‌های صوتی، بازی‌های تعاملی و تمرین‌های روزانه نیز فرایند یادگیری را درگیرکننده‌تر می‌کنند.

در قرن بیست‌ویکم، توسعه فناوری اطلاعات و کاربرد آن در حوزه‌های مختلف زندگی، روش‌های آموزش و یادگیری را دگرگون کرده است. ابزارهای آموزشی دیجیتال مانند کلاس‌های آنلاین، کتاب‌های الکترونیکی، ویدئو، شبیه‌سازی‌های تعاملی و نرم‌افزارهای آموزشی، فرصت‌های شخصی‌سازی شده‌تری برای یادگیری فراهم می‌کنند. فناوری همچنین یادگیری را از نظر زمان و مکان انعطاف‌پذیرتر کرده است. تحلیل داده و هوش مصنوعی نیز امکان شخصی‌سازی بیشتر آموزش را فراهم می‌کنند؛ برای مثال، سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند نقاط قوت و ضعف دانش‌آموزان را شناسایی و تمرین‌های متناسب ارائه کنند.

ویژگی‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش

- سرعت ICT: انتقال سریع فرایند یادگیری را ممکن می‌کند. دانش‌آموزان می‌توانند از طریق پلتفرم‌های آنلاین در کلاس شرکت کنند، اطلاعات را سریع دریافت کنند و پاسخ پرسش‌های خود را بگیرند.

- حجم اطلاعات: اینترنت منابع گسترده‌ای در اختیار دانش‌آموزان، معلمان و پژوهشگران قرار می‌دهد و امکان بررسی موضوعات از دیدگاه‌های مختلف را فراهم می‌کند.

- ارتباط: ایمیل، انجمن‌های درسی، اتاق‌های گفت‌وگو و ویدئوکنفرانس‌ها تعامل مؤثر میان دانش‌آموزان و معلمان را در داخل و خارج کلاس تسهیل می‌کنند.

- تعاملی بودن: پلتفرم‌های آموزشی، شبیه‌سازی‌ها، آزمون‌های آنلاین و بازی‌ها یادگیری را جذاب‌تر کرده و یادگیری فعال و بازخورد فوری را تقویت می‌کنند.

- غیرخطی بودن: دانش‌آموزان می‌توانند موضوع را از زوایای مختلف بررسی کنند و با سرعت خود پیش بروند.

- چندوجهی بودن: محتوا می‌تواند در قالب متن، ویدئو، صوت و محتوای دیداری تعاملی ارائه شود و با سبک‌های مختلف یادگیری سازگار گردد.

اهمیت ICT در آموزش فقط به دسترسی به اطلاعات محدود نمی‌شود، بلکه این فناوری فرایند یادگیری را پویا، شخصی‌سازی شده و جذاب تر می‌کند. تعامل، ماهیت غیرخطی و چندوجهی بودن ICT به زبان‌آموز اجازه می‌دهد از منابع اینترنتی بر اساس علایق خود استفاده کند.

کتاب‌های درسی به تنهایی دیگر کافی نیستند و معلمان می‌توانند با تولید محتوای دیداری، تغییر گفت‌وگوها، آزمون‌ها و ویدئوها آن‌ها را تکمیل کنند.

نیازهای امروز از دانش‌آموزان می‌خواهد توانایی مواجهه با موقعیت‌های پیچیده را داشته باشند. بنابراین مدل سنتی آموزش که صرفاً بر انتقال دانش تکیه دارد کافی نیست. معلمان برای پاسخ به نیازهای جامعه مدرن از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کنند I CT. می‌تواند یادگیری زبان خارجی را جذاب‌تر و ساده‌تر کند.

این فناوری‌ها زمان درس را بهتر سازمان‌دهی می‌کنند، امکان انجام تکالیف خارج از کلاس را فراهم می‌کنند و فرایند یادگیری را شخصی سازی می‌کنند. همچنین معلمان می‌توانند محتوای درس را با مطالب مدرن و جامع از حوزه‌های مختلف غنی کنند. از آنجا که یادگیری زبان به زمان و پشتکار نیاز دارد، انگیزه‌بخشی به دانش‌آموزان یکی از اهداف اصلی معلم است.

CALL و CMC در آموزش زبان

CALL یا یادگیری زبان با کمک رایانه و CMC یا ارتباطات با واسطه رایانه از مهم‌ترین تحولات حوزه یادگیری زبان هستند CALL. شامل استفاده از رایانه و اینترنت برای ارائه، تمرین و ارزیابی مطالب آموزشی است. این روش به زبان‌آموزان اجازه می‌دهد با سرعت خود پیش بروند، فعالیت‌های تعاملی انجام دهند و فرایند یادگیری را شخصی‌تر مدیریت کنند.

در مقابل، CMC ارتباط میان دانش‌آموزان را از طریق رایانه تسهیل می‌کند و به آنان امکان می‌دهد زبان را به شیوه‌ای نزدیک به استفاده واقعی تمرین کنند. در این روش، دانش‌آموزان از طریق پلتفرم‌های آنلاین با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و مهارت‌های نوشتاری و گفتاری خود را توسعه می‌دهند.

مراحل تاریخی و توسعه CALL

۱ CALL. رفتارگرایانه، دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰: این مرحله دوره ابتدایی CALL بود. رایانه‌ها عمدتاً برای آموزش زبان بر اساس رویکرد رفتارگرایانه استفاده می‌شدند. رایانه تکالیف ساده‌ای ارائه می‌کرد و پاسخ دانش‌آموز را ارزیابی می‌کرد. یادگیری بیشتر بر قواعد دستوری، جای خالی، انتخاب شکل درست دستوری و ترجمه واژه‌ها استوار بود. برنامه‌های «گوش دادن و تکرار» در آزمایشگاه‌های زبان از ویژگی‌های اصلی این دوره بودند.

۲ CALL. ارتباطی، اوایل دهه ۱۹۸۰: با توسعه فناوری و اینترنت، CALL با رویکرد ارتباطی همسو شد. دانش‌آموزان علاوه بر تکالیف دستوری، فعالیت‌هایی مرتبط با ارتباط روزمره و کاربرد عملی زبان انجام می‌دادند. رایانه موقعیت‌های واقعی را شبیه‌سازی می‌کرد و ابزارهای تعاملی و چندرسانه‌ای تجربه عملی‌تری در اختیار زبان‌آموزان می‌گذاشتند.

۳ CALL. یکپارچه، از اواسط دهه ۱۹۹۰ به بعد: این مرحله مدرن‌ترین و پیچیده‌ترین مرحله CALL است که با پیشرفت فناوری، گسترش ابزارهای همراه و شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت. مطالب آموزشی رایانه و اینترنت دیگر فقط به دستور زبان و واژگان محدود نبودند و ارتباط بین‌فرهنگی، نوشتار خلاق و تجربه‌های واقعی را نیز شامل می‌شدند. محیط‌های آنلاین، کلاس‌های مجازی، برنامه‌های موبایل و شبکه‌های اجتماعی فرصت‌های انعطاف‌پذیر و تعاملی برای یادگیری ایجاد کردند.

CALL فرایند یادگیری را شخصی سازی می کند. دانش آموزان می توانند با سرعت خود یاد بگیرند، موضوعات را دوباره مرور کنند و تکالیف را متناسب با نیازهای خود انجام دهند. استفاده از ابزارهای چندرسانه ای و منابع آموزشی، یادگیری را تعاملی تر می کند و انگیزه را افزایش می دهد. در مرحله یکپارچه CALL، یادگیری از طریق تلفن همراه و سایر ابزارهای قابل حمل نیز گسترش یافت و زبان آموزان توانستند در هر زمان و مکان به منابع دسترسی پیدا کنند.

در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رویکرد ارتباطی نیز گسترش یافت. طرفداران آن تأکید داشتند یادگیری زبان نباید فقط بر شکل زبان تمرکز کند، بلکه باید کاربرد آن را نیز دربرگیرد. برنامه های رایانه ای از بررسی پاسخ صحیح فراتر رفتند و به تحریک بحث، بیان نوشتاری و تفکر انتقادی کمک کردند. از دهه ۲۰۰۰ مرحله یکپارچه آغاز شد و استفاده از اینترنت، ویدئو، صوت و محتوای تعاملی فرایند یادگیری را دگرگون کرد.

فناوری به عنوان ابزار، نه مرکز درس

ادغام فناوری در درس ها گاهی ممکن است باعث شود رایانه به عنصر مرکزی کلاس تبدیل شود و موضوع و اهداف اصلی درس تحت الشعاع قرار گیرند. استفاده بیش از حد یا نادرست از ابزارهای فناوری می تواند روند آموزش را کند کند. رویکرد مناسب این است که رایانه و فناوری به عنوان ابزارهایی طبیعی در کنار معلم، کتاب درسی و سایر منابع آموزشی استفاده شوند، نه به عنوان مرکز درس.

نقش معلم در این فرایند بسیار مهم است. اگر معلمان رایانه را صرفاً به عنوان ابزار ببینند و آن را به شکل طبیعی در درس ادغام کنند، استفاده از فناوری مؤثرتر خواهد شد. تردید نسبت به فناوری یا انتظارات بیش از حد از آن می تواند اثربخشی درس را کاهش دهد.

نیازهای زبان آموزان هسته اصلی این فرایند هستند. برای استفاده مؤثر از ICT باید نیازهای زبان آموزان از ابتدا به درستی ارزیابی شوند. هنگامی که فناوری مطابق سبک یادگیری و نیاز دانش آموز استفاده شود، انگیزه افزایش می یابد و کاربرد فناوری معنادارتر می شود. برای مثال، برای زبان آموزان دیداری، ویدئوهای تعاملی و مطالب بصری ممکن است مناسب تر باشند.

با توسعه فناوری های جدید، فرصت های بیشتری برای CALL ایجاد شده است، اما میزان اثربخشی این فناوری ها در آموزش همچنان موضوع بحث است. نوآوری های فناوری ممکن است سریع تر از پژوهش های مربوط به اثربخشی آن ها پیش بروند؛ در نتیجه گاهی هنگام پایان پژوهش، فناوری مورد مطالعه قدیمی شده یا جای خود را به فناوری جدیدتری داده است. با این حال، پژوهش ساختاریافته و تحلیل تجربی برای تعیین اهداف آموزش زبان مبتنی بر فناوری اهمیت دارد.

ارتباطات با واسطه رایانه (CMC)

CMC یکی از مهم ترین تحولات فناورانه عصر مدرن است و شیوه ارتباط، اشتراک اطلاعات و تبادل تجربه را تغییر داده است. CMC فقط ابزار ارسال و دریافت پیام نیست، بلکه بستری برای تبادل بین فرهنگی، دانشگاهی و اجتماعی نیز محسوب می شود.

انواع CMC

ارتباط تفسیری: این نوع ارتباط تبادل اطلاعات و ایده‌ها را میان افراد تسهیل می‌کند. وبلاگ‌ها و انجمن‌ها نمونه‌های رایج آن هستند. کاربران دیدگاه‌های خود را به اشتراک می‌گذارند، نظرات دیگران را می‌خوانند و در بحث‌ها شرکت می‌کنند.

ارتباط بین‌فردی: شامل ایمیل، پیام‌رسانی فوری و ویدئوکنفرانس است و برای ارتباط شخصی از طریق فناوری در محیط‌های حرفه‌ای و روزمره کاربرد دارد.

ارتباط ارائه‌ای: فرد یا گروهی اطلاعات یا محتوا را برای مخاطبان گسترده‌تر ارائه می‌کند. ارائه‌های آنلاین، وبینارها و شبکه‌های اجتماعی نمونه‌هایی از آن هستند.

ویژگی‌های CMC باعث می‌شوند این فناوری در حوزه‌هایی از آموزش و کسب‌وکار تا تعامل اجتماعی کاربرد داشته باشد. اینترنت و فناوری رایانه امکان ارتباط جهانی، اشتراک اطلاعات و تبادل تجربه را فراهم می‌کنند.

در مدل ارتباط تفسیری، زبان‌آموزان اطلاعات را می‌خوانند یا می‌شنوند و تلاش می‌کنند آن را درک کنند و معلم درباره عملکرد آنان بازخورد می‌دهد. در این مدل، تعامل مستقیم میان زبان‌آموزان محدودتر است.

در مدل ارتباط بین‌فردی، تعامل دوطرفه شکل می‌گیرد و زبان‌آموزان درباره موضوعات بحث می‌کنند، سوءتفاهم‌ها را برطرف می‌کنند و ایده‌ها را به اشتراک می‌گذارند. این فرایند اغلب ماهیتی خودجوش دارد.

در مدل ارتباط ارائه‌ای، فرد پژوهش یا ایده‌های خود را برای مخاطب مشخصی ارائه می‌کند. سخنران می‌تواند از قبل آماده و تمرین کند و در نتیجه ارائه ساختاریافته‌تر و منظم‌تر باشد.

بسیاری از متخصصان CMC را برای یادگیری زبان خارجی و ایجاد همکاری‌های تله‌همکاری مفید می‌دانند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند CMC می‌تواند انگیزه زبان‌آموزان را افزایش دهد، اضطراب را کاهش دهد، مهارت گفتاری را بهبود بخشد و اثربخشی ارتباط در کلاس را افزایش دهد.

CMC دو شکل اصلی دارد: هم‌زمان و ناهم‌زمان. ارتباط هم‌زمان شامل تعاملات لحظه‌ای مانند گفت‌وگوی آنلاین در WhatsApp و Telegram و ویدئوکنفرانس در Zoom، Skype و Microsoft Teams است. این شکل برای توسعه مهارت گفتاری و تعامل مؤثر است و به دانش‌آموزان و معلمان اجازه می‌دهد فعالیت‌ها را تقریباً مانند ارتباط حضوری انجام دهند. بازخورد فوری نیز امکان ارزیابی دانش و شناسایی نقاط قابل بهبود را فراهم می‌کند.

CMC هم‌زمان می‌تواند دانش دستوری، تلفظ و روانی گفتار را بهبود دهد و محیطی راحت‌تر برای زبان‌آموزان خجالتی ایجاد کند. در مقابل، CMC ناهم‌زمان به شکل متفاوتی از رشد زبان حمایت می‌کند. زبان‌آموزان زمان بیشتری برای فکر کردن، پردازش و تولید زبان دارند و این امر می‌تواند به بهبود دقت دستوری، انتخاب واژگان مناسب، کاربرد صحیح علائم نگارشی و رعایت قواعد املایی کمک کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش‌ها و تحلیل‌های تطبیقی نشان می‌دهند که تبدیل شدن زبان انگلیسی به وسیله‌ای جهانی برای ارتباط، تغییرات اساسی در روش شناسی آموزش زبان را اجتناب‌ناپذیر کرده است. روش‌های سنتی، به‌ویژه رویکردهای شنیداری-گفتاری و دستور-ترجمه، پایه‌ای برای درک ساختار و قواعد زبان فراهم می‌کنند؛ با این حال، برای توسعه توانایی واقعی زبان‌آموزان در برقراری ارتباط کافی نیستند.

یافته‌ها تأیید می‌کنند که یادگیری زبان فقط حفظ کردن شکل‌های دستوری نیست، بلکه فرایندی برای ساخت معنا و تعامل در یک بافت اجتماعی است. اجرای آموزش زبان ارتباطی و رویکردهای تعاملی، زبان‌آموز را در مرکز فرایند یادگیری قرار می‌دهد و نقش معلم را از انتقال دهنده دانش به تسهیلگر تغییر می‌دهد. این تغییر می‌تواند محیطی کم‌تنش و خلاق ایجاد کند که با علایق زبان‌آموزان هماهنگ باشد و یادگیری طبیعی‌تر زبان را امکان‌پذیر کند.

تکامل مدل PPP و اولویت دادن به اصول یادگیرنده‌محور می‌تواند اعتماد به نفس زبان‌آموزان را افزایش دهد و ترس از اشتباه کردن را کاهش دهد؛ موضوعی که به‌ویژه در مراحل ابتدایی یادگیری زبان اهمیت دارد. هم‌زمان، تحولات فناوری در قرن بیست‌ویکم ضرورت ادغام ابزارهای دیجیتال در آموزش زبان را افزایش داده است. منابع چندرسانه‌ای، برنامه‌های یادگیری سیار و پلتفرم‌های تعاملی فرایند یادگیری را فراتر از کلاس می‌برند و امکان شخصی‌سازی بیشتر را فراهم می‌کنند.

فناوری‌های دیجیتال علاوه بر پشتیبانی از چهار مهارت اصلی زبان، یعنی شنیدن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن، زبان‌آموزان را مستقیماً با موقعیت‌های واقعی مرتبط می‌کنند.

آموزش مؤثر زبان انگلیسی به نسل‌های جوان‌تر به ایجاد تعادل میان استحکام دستوری روش‌های سنتی و انعطاف‌پذیری رویکردهای ارتباطی مدرن، همراه با استفاده مناسب از فرصت‌های فناوری، نیاز دارد. معلمان باید راهبردهای خلاقانه اتخاذ کنند، شایستگی دیجیتال خود را ارتقا دهند و تجربه‌های یادگیری جذاب، تعاملی و متناسب با نیازهای فردی زبان‌آموزان طراحی کنند. در چنین شرایطی، یادگیری زبان خارجی می‌تواند از یک الزام آموزشی فراتر برود و به مهارتی کاربردی برای زندگی و آینده شغلی زبان‌آموزان تبدیل شود.

منابع

- Bruner, J. (۲۰۰۴). Narratives of human pl ight: A conversat i on wi th Jerome Bruner. In Stori es nat ter (pp. ۱۷-۲۳). Rout l edge.
- December, J. (۱۹۹۶). Uni ts of anal ysi s for Internet communi cati on. Journal of Computer - Medi at ed Communi cati on, 1(4), ۱۴۳.

Girard D. (۱۹۷۷). Motivation: the Responsibility of the Teacher. *ELT Journal*, N۳۱, pp. ۹۷-۱۰۲.

Lantolf, J. (Ed.). (۲۰۰۰). *Sociocultural theory and second language learning*. Oxford University Press.

Long, M.H. (۲۰۱۸). Native speaker/non-native speaker conversation and the negotiation of comprehensible input. *Applied Linguistics*, ۴, ۱۲۶-۱۴۱.

Long, M.H. (۲۰۱۷). The role of the linguistic environment in second language acquisition. *Academic Press*, ۳۱۶-328.

Pritchard, A. (۲۰۱۷). *Ways of learning: Learning theories for the classroom*. Routledge.

Salaberri, M. The Use of Technology for Second Language Learning and Teaching: A Retrospective. *Modern Language Journal*, March ۲۰۰۱. DOI: ۱۰.۱۱۱/۰۰۲۶-۷۹۰۲.۰۰۰.

Иванова Е.О. (۲۰۱۵). Электронный учебник – предметная информационно-образовательная среда самостоятельной работы учащихся. *Образование и наука*. № (۱۲۴), с. ۱۱۸-۱۲۸.

Исмаилова Д.А. (۲۰۰۲). Методика обучения диалогической речи современного английского языка на начальном этапе курсов вузов. Баку: Мутарджим

<https://www.december.com/john/study/cnc/what.html>

مشخصات مقاله اصلی

.Leman Zeynal ova-Mammadzade Vahid, Ulviyya Mammadova Mirad, Aynur Azizova Musbat, Matanat Mammadova Mammad Aysel Aliyeva Chingiz. "A Comparative Study of Traditional And Interactive Methods in Shafa Hunbat ova Rabil Teaching English to Young Learners." *International Journal of Special Education*, ۴۱(۱۶۵), ۸۵۵-۸۷۱, ۲۰۲۶.

این ترجمه بر اساس فایل PDF بارگذاری شده و متن کامل مقاله تهیه شده است. نام نویسندگان، نام مجله، مشخصات کتابشناختی و عناوین منابع برای حفظ قابلیت ارجاع علمی به شکل اصلی نگه داشته شده‌اند.